

چهل حدیث از روش زندگی پیامبر اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص)

تنظیم شده در مرکز فرهنگی امام حسین (ع) اتاوا به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)

منبع: چهل حدیث «سیره نبوی» علیه السلام، جواد محدثی.

۱. بندگی

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ عَبْدٌ.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۲]

امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر اکرم مانند بنده غذا می خورد و مانند بنده می نشست و می دانست که بنده است.

از بهترین صفات انسان، تواضع و مردمی زیستن است. تواضع در گفتار و کردار و نشست و برخاست هر کس آشکار می شود. پیامبر خدا با همه عظمت و شخصیت، خود را بنده خدا می دانست و کوچکترین نشانه‌ای از تکبر و غرور در آن حضرت نبود و این تواضع و ساده زیستی و دوری از تجمل و تکلف در همه ابعاد زندگی او آشکار بود.

۲. سجود

قال الباقر عليه السلام:

مَا اسْتَيْقِظَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ نَوْمٍ إِلَّا خَرَّ لِلَّهِ سَاجِدًا.

[مکارم الاخلاق، ص ۳۹]

امام باقر علیه السلام فرمود:

هیچگاه پیامبر خدا از خواب بیدار نشد، مگر اینکه سر به خاک نهاده، برای خدا سجده می کرد.

قرآن، خواب را همچون مرگ و بیداری را مثل حیات دوباره می شمارد و خدا اگر بخواهد، خفتگان دیگر از خواب بر نمی خیزند و به خواب ابدی مرگ فرو می روند. از سوی دیگر، خواب وسیله آرامش و آسایش جسم و سبب تجدید قوا و نشاط است. پس بیدار شدن از خواب، شکر و سپاس دارد و رسول خدا از این رو هرگاه از خواب بیدار می شد، سجده شکر می کرد.

۳. جاذبه نماز

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُؤْتِرُ عَلَى الصَّلَاةِ عِشَاءً وَلَا غَيْرَهُ وَكَانَ إِذَا دَخَلَ وَقْتَهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَ لَا حَمِيمًا. [سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۲۶۸]

امام علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا هیچ چیز را، نه شام و نه غیر آنرا بر نماز مقدم نمی‌داشت. هرگاه وقت نماز فرا می‌رسید،

رسول خدا دیگر نه خانواده می‌شناخت و نه دوست.

عارفان حقیقی، نماز را بهترین وسیله تقرب به خدا و وسیله شکرگزاری می‌دانند، از این رو در نظرشان بهتر و برتر و مقدم بر هر کار دیگری است. پیامبر خدا به نماز اهمیت بسیار می‌داد و چون وقت نماز می‌رسید، آن را بر هر کار دیگری مقدم می‌داشت و به ندای «حیّ علی الصلاة» پاسخ می‌داد. آری... باید به کار گفت که نماز دارم، نه آنکه به نماز بگوییم: کار دارم!

۴. آهنگ قرآن

قالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ. [سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۳۱۱]

امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر اسلام، از همه مردم زیباتر و خوش آهنگ تر قرآن می‌خواند.

قرآن، زیباست و زیبا خواندن آن، بر جاذبه و جمال آن می‌افزاید. پیشوایان ما هم خودشان صوت زیبا داشتند و قرآن را نیکو تلاوت می‌کردند، هم پیروان را به آن توصیه می‌کردند. صدای خوب، از نعمت‌های زیباست و بجاست که در راه خوب و تلاوت قرآن و دعا و مدح اهل بیت علیهم السلام به کار گرفته شود. پیامبر و ائمه علیه السلام، در همه امور، حتی در نیکو قرآن خواندن برای ما الگو هستند.

۵. گریه در نماز

قال السَّجَّادُ عليه السلام:

كَانَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلَّ مُصَلَّاهُ خَشْيَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ.

[سُنَنُ النَّبِيِّ، ص ۳۲]

امام سجاد علیه السلام فرمود:

رسول خدا در نماز، آن قدر گریه می کرد تا آنکه جا نمازش تر می شد، این بخاطر فروتنی و خشیت از خدا بود، بی آنکه جرمی داشته باشد.

گریه در نماز خوب نیست، مگر آنکه از سر فروتنی و خشیت از خدا باشد. نماز خاشعانه، همراه با توجه و حضور قلب و یاد خدا و حالت سوز و اشک و نیاز و تضرع، به نماز «روح» می بخشد و ثواب آن را بیشتر می کند. گرچه پیامبر خدا و پیشوایان دین، معصوم بودند و گناهی نداشتند، ولی معرفت کاملی که به خدا داشتند، همیشه خود را نسبت به پروردگار، دارای قصور و کوتاهی می دیدند و اشک می ریختند. عاصیان از گناه توبه کنند؛ عارفان از عبادت، استغفار!

۶. با امت

قال أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعُودُ الْمَرِيضَ وَ يَتَّبِعُ الْجَنَازَةَ وَ يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ.

[مكارم الاخلاق، ص ۱۵]

انس بن مالک گوید:

پیامبر اسلام به عیادت مریض و تشییع جنازه می رفت و دعوت برده را می پذیرفت.

از عوامل محبوبیت و جاذبه رهبران، همدردی و همدلی و همراهی با مردم است و این اخلاق، رابطه آنان را با مردم مستحکم تر می کند. از نشانه های مردمی بودن حضرت رسول رفتار متواضعانه او با توده های مردم و شرکت در تشییع جنازه و عیادت مریض و حضور در مهمانی بردگان بود و از این راه، دل آنان را به دست می آورد و به مؤمنان ارزش و احترام قائل می شد.

۷. ادب با همنشین

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا رَأَيْتُ مَقْدَمًا رَجُلُهُ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶]

علی علیه السلام می فرماید:

هرگز دیده نشد که پیامبر اسلام پای خود را پیش کسی دراز کند.

ادب در معاشرت، احترام گذاشتن به دیگران است و برای انسان عزت و محبوبیت می آورد. ارزش هر کس به اندازه ادب اوست. دراز نکردن پا پیش همنشینان، نشانه ای از ادب اجتماعی است. رسول خدا همیشه این ادب را مراعات می کرد و به اصحاب خود اینگونه ادب می آموخت.

۸. ادب گوش دادن

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَا يَقْطَعُ عَلَيَّ أَحَدٌ كَلَامَهُ حَتَّى يَجُوزَ فَيَقْطَعُهُ بِنَهْيِ أَوْ قِيَامِي.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۱۸]

امام علی علیه السلام فرمود:

پیامبر هرگز سخن کسی را قطع نمی کرد، مگر آنگاه که بیش از حد حرف بزند آن وقت او را نهی می کرد یا بر می خاست.

هم سخن گفتن آدابی دارد، هم گوش دادن به سخن دیگران. برخی قبل از تمام شدن حرف طرف، وارد سخن او می شوند و کلامش را قطع می کنند. این نشانه کم صبری و بی ادبی است. رسول خدا صبر می کرد تا کلام گوینده به آخر برسد، مگر آنکه سخن او ناروا و ناحق باشد، که یا او را نهی می کرد، یا با ترک مجلس کلامش را گوش نمی کرد.

۹. ادبِ نشستن

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَلَا يُؤْتِنُ الْأَمَاكِينَ وَيَنْهَى عَنِ ائِطَانِهَا وَإِذَا انْتَهَى إِلَى قَوْمٍ جَلَسَ حَيْثُ يَنْتَهَى بِهِ الْمَجْلِسُ وَيَأْمُرُ بِذَلِكَ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۱۶]

علی علیه السلام فرمود: نشستن و برخاستن رسول خدا با یاد خدا بود. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی کرد و از این کار نهی می فرمود. هرگاه به جمعی می پیوست، هر جا که خالی بود می نشست و به این کار نیز دستور می داد.

ارزش هر «جا» به کسی است که آنجا می نشیند. افراد مغرور و متکبر در پی آنند که در هر مجلس در صدر بنشینند. پیامبر خدا اصحاب خود را از این کار نهی می کرد و خودش نیز در عمل، وارد مجلسی که می شد، هر جا که جا بود می نشست و در پی جایگاه اختصاصی نبود. ممکن است صاحب خانه یا صاحب مجلس برای احترام به مهمان، او را در بالا بنشانند، ولی انسان نباید روحیه «صدر نشینی» داشته باشد و «جا» برایش چندان مهم باشد.

۱۰. با مهمان

قالَ الْكَاسِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا آتَاهُ الضَّيْفُ أَكَلَ مَعَهُ وَلَمْ يَرْفَعْ يَدَهُ مِنَ الْخِوَانِ حَتَّى يَرْفَعَ الضَّيْفُ يَدَهُ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۶۷]

امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا هرگاه مهمان داشت، با او غذا می خورد و دست از سفره و غذا نمی کشید، تا آن که مهمان دست از غذا خوردن بکشد.

مهمان دوستی، خصلتی ارزنده است و هم غذا شدن با مهمان نشانه محبت و تکریم اوست. سیره پیامبران الهی، پذیرایی شایسته از مهمان و احترام به او بوده است. وقتی سر سفره ای یک شخصیت مهم نشست باشد، دیگران در شروع و پایان به او نگاه می کنند و اگر او دست از غذا خوردن بکشد، دیگران هم دست می کشند. پیامبر خدا بر سر سفره دیر از غذا دست می کشید، تا مهمانش گرسنه نماند و از خوردن، خجالت نکشد.

۱۱. مُصَافِحَه

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا قَطُّ فَتَنَزَعَ يَدَهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۹]

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا هرگز با کسی دست نداد که دستش را عقب بکشد مگر آن که

طرف مقابل دست خود را عقب ببرد.

مصافحه و دست دادن، یکی از آداب معاشرت در اسلام است که نشانه صمیمیت و دوستی است و سبب افزایش محبت می شود. بعضی ها وقتی به کسی علاقه نداشته باشند، یا دست نمی دهند، یا دست خود را زود عقب می کشند و برخوردی سرد از خود نشان می دهند. پیامبر خدا برای اینکه طرف مقابل، احساس بی مهری نکند، آن قدر دست خود را در دست طرف مقابل نگه می داشت تا او دست خود را عقب بکشد و اینگونه آن حضرت، به افراد دیگر ابراز محبت می کرد.

۱۲. خُوشِ خَلْقِي

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيْسَ بِالْجَانِبِ، لَيْسَ بِفَظٍّ وَلَا غَلِيظٍ.

[مکارم الاخلاق، ص ۱۴]

امام علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا همواره خوشرو، خوش خو و نرم بود، خشن و درشت خوی نبود.

خوشرویی، خوشخویی و خوشگویی از نشانه های «حسن خلق» است. برخورد خوب و با چهره بشاش و اخلاق نیک، عامل جذب دیگران است. بر عکس، تندخویی و بداخلاقی و بد زبانی، دیگران را می آزارد و فراری می دهد. یکی از مهمترین عوامل موفقیت پیامبر در دعوت اسلامی، اخلاق نیکوی او بود و قرآن فرموده است: اگر خشن و تندخو بودی مردم از دور تو پراکنده می شدند و به سبب رحمت الهی است که بر مردم نرم و مهربان شده ای.

۱۳. گفتار

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَدُمُّ أَحَدًا وَلَا يُعَيِّرُهُ وَلَا يَطْلُبُ عَثْرَاتِهِ وَلَا عَوْرَتَهُ وَلَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا فِيمَا رَجَى ثَوَابَهُ.

[سُنَنُ النَّبِيِّ، ص ۱۷]

امام علی علیه السلام فرمود:

آن حضرت هرگز کسی را مذمت نمی کرد، و در پی لغزشها و عیوب و اسرار دیگران نبود و سخن نمی گفت مگر آنجا که امید ثواب داشت.

برخی از مردم، زبان تلخ و گزنده دارند و پیوسته در پی سرزنش و عیب جویی از دیگران و بردن آبروی آنانند. برخی هم بزرگوار و اهل کرامت اند و زبان از نکوهش و بدگویی دیگران نگه می دارند. پیامبر خدا از اینگونه افراد بود و هرگز در پی کشف لغزشها و خطاهای دیگران نبود، تا آن ها را به رخ ایشان بکشد و آبروی آنان را ببرد. از سخنان لغو و بیهوده هم پرهیز داشت و جایی زبان به سخن می گشود که ثواب داشته باشد و موجب رضای الهی گردد.

۱۴. خوراک

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَازَالَ طَعَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الشَّعِيرَ حَتَّى قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ.

[سُنَنُ النَّبِيِّ، ص ۴۹]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا تا روز وفات خود، همواره طعامش نان جو بود.

دنیا برای آخرت گرایان، آخوری نیست که بخورند و بچرند و همواره در پی شکمبارگی باشند. رسول خدا اهل قناعت و ساده زیستی بود و نان و خوراک او نان جو بود که در آن زمان، غذای ساده به شمار می رفت. کسی که بر تمایلات نفسانی خود مسلط و از اسارت شکم آزاد باشد و با قناعت زندگی کند، همیشه عزیز است و کسی که اسیر شکم و غذا باشد، تن به هر ذلت و حقارت می دهد تا به نوایی برسد.

۱۵. شوخی

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُدَاعِبُ وَلَا يَقُولُ الْآحَقَّ.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا شوخی و مزاح می کرد، ولی جز حق چیزی نمی گفت.

اسلام، دین نشاط و شادابی است و از نشانه های خوش اخلاقی مؤمن آن است که اهل مزاح و شوخی باشد و با مزاح و مداعبه، دیگران را شاد کند. در روایات اسلامی شاد کردن دیگران و «ادخال سرور در قلب مؤمن» کاری پسندیده و مطلوب به شمار آمده است. در عین حال باید مراعات کرد تا از حد نگذرد و به دروغ و طعنه و استهزای مؤمن و تحقیر و توهین دیگران نیانجامد. آری، شوخی و مزاح خوب است، تا وقتی که از مرز حق فراتر نرود و به دروغ و هتاک نرسد.

۱۶. خوردن به اندازه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

نَحْنُ قَوْمٌ لَا نَأْكُلُ حَتَّى نَجُوعَ وَإِذَا أَكَلْنَا لَأَنْشَبِعُ.

[سنن النبی، ص ۱۸۱]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ما جمعیتی هستیم که تا کاملاً گرسنه نشویم غذا نمی خوریم و چون می خوریم، خود را کاملاً سیر نمی کنیم.

اساس تندرستی و سلامت، مراعات اندازه در خوردن و پرهیز از پرخوری است. نظم و اندازه در خوراک، کمک به بهداشت تغذیه است و جلوی بسیاری از بیماریها را می گیرد. سعدی گوید: نه چندان بخور کز دهانت بر آید نه چندان که از ضعف، جانت در آید. رعایت اعتدال در خوردن و خوراک، ضامن سلامتی انسان و پیروی از سیره و شیوه اولیای الهی است.

۱۷. غذای جمعی

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ مَعَ الْقَوْمِ طَعَامًا كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ وَآخِرَ مَنْ يَرْفَعُهَا لِأَكْلِ الْقَوْمِ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۱۶۶]

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اسلام هرگاه در جمع مردم غذا می خورد، اولین کسی بود که دست به غذا دراز می کرد و آخرین فردی بود که دست از غذا می کشید تا دیگران بخورند.

مراعات حال دیگران در همه امور، نشانه نوع دوستی و ادب و همزیستی با دیگران است. در سفره های جمعی در حضور پیامبر، مردم به عنوان ادب، قبل از پیامبر دست به سوی غذا نمی بردند و پس از دست کشیدن پیامبر از غذا، به خوردن ادامه نمی دادند. رسول خدا برای آنکه گرسنه ای بیش از حد منتظر نماند یا کسی سر سفره ای گرسنه نماند، اول از همه شروع می کرد و آخر از همه نیز از غذا دست می کشید، تا دیگران با فراغت خاطر بخورند و سیر شوند.

۱۸. سخن به اندازه فهم مردم

قال الصادق عليه السلام:

مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مَعَاشِرَ

الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ. [سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۵۷]

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا، هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفته و فرموده: ما پیامبران ما موریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم.

ظرفیت ادراک مردم نسبت به حقایق دینی متفاوت است. یک معلم و مربی و مبلغ باید سطح فکر و درک مخاطبان را مراعات کند و در حد فهم آنان و ساده و روان حرف بزند. پیامبران الهی چون فرستادگان خدا به سوی همه مردم بودند، زبانشان آسان و همه فهم بود. رسول خدا با آنکه عقل کل و داناترین افراد بود، ولی به اندازه سطح فکر و فهم مردم سخن می گفت. این شیوه، برای همه معلمان و مبلغان، رسانه ها و مطبوعات و تولید کنندگان برنامه های عمومی الگوست.

۱۹. عدالت در نگاه

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُقَسِّمُ لِحَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ.

[اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۱]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا، نگاههایش را بین اصحابش تقسیم می کرد و به این و آن یکسان نگاه می کرد. عدالت، خصلت همیشگی پیامبر خدا در همه امور بود. اگر یک گوینده یا معلم یا واعظ، تنها به بعضی نگاه کند و به بقیه بی اعتنا باشد، حاضران احساس تبعیض می کنند و می رنجند. اگر یک قاضی هم به یکی از دو طرف دعوا توجه بیشتری کند، این نگاه تبعیض آمیز، اثر منفی می گذارد. رسول خدا حتی در نگاه به افراد حاضر در جلسات هم عدالت را رعایت می کرد و نگاه پر مهر خود را یکسان میان آنان تقسیم می نمود.

۲۰. عاطفه

قال الباقر عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ أُمَّهُ.

[سنن النبی، ص ۲۷۳]

امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه رسول خدا در نماز، صدای گریه کودکی را می شنید، نمازش را سبکتر می خواند تا مادر آن کودک «که در نماز جماعت بود» به بچه رسیدگی کند.

عاطفه و مهرورزی نسبت به مردم به ویژه کودکان و ضعیفان، گواه زنده بودن حس نوع دوستی و انسانیت در وجود آدمی است. رسول خدا که مظهر رحمت الهی برای همه عالمیان است، حتی در نماز جماعت هم از حال دیگران غافل نبود و صدای گریه کودکان سبب می شد نمازش را کوتاه تر بخواند، تا مادران به کودکان گریان خویش پردازند. این شایسته همه مسؤولان و رهبران و مدیران است که از حال زیر دستان خود غافل نباشند.

۲۱. خشم برای خدا

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا تَنْتَصِرَ لِنَفْسِهِ مِنْ مَظْلَمَةٍ حَتَّى يَنْتَهِكَ مَحَارِمُ اللَّهِ فَيَكُونُ حِينَئِذٍ غَضَبُهُ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۴۵]

امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا از ستمی که به خود او می شد انتقام نمی گرفت، مگر آن که حریم

الهی هتک شود، که در آن صورت خشم می کرد و غضبش برای خدا بود.

عفو و گذشت، شیوه انسان های بزرگ و با کرامت است. کینه توزی و انتقام جویی شخصی نیز، خصلت انسان های حقیر است. تاریخ زندگی پیامبر و خاندان او سرشار از صحنه هایی است که خصلت عفو و گذشت آنان را نشان می دهد. از سوی دیگر تولی و تبری از واجبات دینی است و نشان می دهد که مهر و قهر و دوستی و دشمنی و قاطعیت و گذشت، باید بر مدار دین و محور اصول ارزشی باشد. پیامبر خدا در مورد حق شخصی خود به سادگی گذشت می کرد، اما وقتی به مقدسات دینی و حرمت های الهی اهانت می شد، هرگز کوتاه نمی آمد. خشم مقدس او هم برای خدا و در راه خدا بود.

۲۲. مسواک

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَسْتَاكُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ قَامَ مِنْ نَوْمِهِ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۲۲۲]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا هر بار که از خواب بر می خاست، مسواک می زد.

رعایت بهداشت بدن و نظافت دهان و دندان، از توصیه های مؤکد اسلام است. رهبران دینی ما در عمل، نشان می دادند که تا چه حد به این امور اهمیت می دهند. پیامبر خدا می فرمود: اگر بیم آن نبود که بر امتم سخت و مشقت باشد، مسواک را بر آنان واجب می ساختم. خود آن حضرت، روزی چند بار مسواک می زد و مسواک زدن هر گاه که از خواب بر می خاست، یکی از آن موارد بود. امت او هم شایسته است که در نظافت و بهداشت فردی و اجتماعی به او اقتدا کند.

۲۳. تنظیم وقت

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَاءَ دُخُولِهِ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءَ: جُزْءًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُزْءًا لِأَهْلِهِ وَجُزْءًا لِنَفْسِهِ.

[مکارم الاخلاق، ص ۱۳]

امام علی علیه السلام فرمود:

پیامبر اسلام، وقتی به خانه خویش می رفت اوقاتش را سه قسمت می کرد: بخشی برای خدای متعال، بخشی مخصوص خانواده و بخشی هم برای کارهای شخصی خود.

نظم و برنامه ریزی در کارها، از عوامل موفقیت است. زمان بندی امور و انجام هر کاری در وقت خاص، یکی از جلوه های نظم است. اگر اوقات خود را تنظیم کنیم به خیلی از کارهای عقب مانده خود می رسیم و کم نمی آوریم. اینکه آن حضرت اوقات داخل خانه را به سه بخش تنظیم می کرد، درسی از نظم است و اینکه بخشی برای خدا، بخشی برای مردم و بخشی برای خود اختصاص می داد، درس دیگری است که باید رابطه با خدا و رابطه عاطفی با خانواده فراموش نشود و فدای کارها و اشتغالات روزمره نگردد.

۲۴. حفظ زبان

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَخْزُنُ لِسَانَهُ الْأَعْمَاءَ كَمَا كَانَ يَعْينُهُ وَيُؤَلِّفُهُمْ وَلَا يَنْفَرُهُمْ.

[سُنَنُ النَّبِيِّ، ص ۱۵]

امام علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا زبان خویش را از غیر سخنان مورد نیاز باز می داشت و کلامش مردم را الفت می بخشید و آنان را دور و بیزار نمی ساخت.

زبان، هم می تواند الفت آور باشد، هم تفرقه انگیز. گفتار انسان گاهی دشمنی و کدورت و اختلاف پدید می آورد، گاهی اختلافات را به آشتی و تفاهم تبدیل می کند. پیامبر خدا که رحمت برای جهانیان و «محور وحدت» برای امت بود، زبان خود را کنترل می کرد، از حرفهای نامربوط و بیهوده و تفرقه انگیز پرهیز می کرد. کم حرف زدن، تمرینی برای خودسازی و تسلط بر خویش است.

۲۵. ارزشهای اخلاقی

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا وَاجْرَاءَ النَّاسِ صَدْرًا وَاصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَوْفَى النَّاسِ ذِمَّةً وَالْيَنَّهُمْ عَرِيكَةً وَأَكْرَمَهُمْ عِشْرَةً.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۴]

امام علی علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا، از همه مردم بخشنده تر، با جرأت تر، راستگوتر، وفادارتر، خوش اخلاق تر و نیکو رفتارتر بود. از قدیم گفته اند: دو صد گفته چون نیم کردار نیست. رسول خدا و اولیای دین از آن جهت الگوی اخلاقی مايند که گفتار و کردارشان تجسم آیات قرآن و ارزشهای اخلاقی است. نه تنها برخوردار از مکارم اخلاقی اند، بلکه سرآمد همه و پیشتاز در خصلتهای نیکویند. رسول خدا در سخاوت و شجاعت و صراحت و صداقت و وفای به عهد و حسن خلق، از همه برتر بود. آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری! مدیران جامعه نیز باید الگوی مردم باشند تا جامعه به خوبیها گرایش یابد.

۲۶. فرزند دختر

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا بُشِّرَ بِجَارِيَةٍ قَالَ: رِيحَانَةٌ، وَرَزَقُهَا عَلِيُّ اللَّهِ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۸۰]

امام علی علیه السلام فرمود:

هرگاه رسول خدا را به ولادت دختری مژده می دادند، می فرمود: ریحان و دسته گل است و روزی او بر خداست.

در فرهنگ جاهلیت، به زن ارزش و اهمیتی قائل نبودند و بدترین حالت آنان وقتی بود که خبر می دادند همسرت، فرزند دختر آورده است. دختران را مایه ننگ می دانستند و زنده به گور می کردند. احترامی که پیامبر به دخترش حضرت زهرا علیها السلام نشان می داد و ابراز محبت می کرد و خوشحالی و شادمانی که هنگام مژده تولد دختر، از خود ابراز می کرد، هم توجه دادن به کرامت و ارزش انسانی زن بود، هم در عمل، با تفکرات دوران جاهلیت مبارزه می نمود و دختر را یک دسته گل که نعمت خداست می شمرد.

۲۷. رو به قبله

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ.

[مکارم الاخلاق، ص ۲۶]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا بیشتر اوقات، رو به طرف قبله می نشست.

کعبه مقدس و مسجد الحرام، قبله گاه مسلمین و کانون توحید و یادگار حضرت ابراهیم و اسماعیل است. مسلمان در نماز و نیاز، به این جهت و سمت و سوی توحیدی توجه می کند و از فداکاری های موحدان عالم و پیروان قبله الهام می گیرد. مستحب است که انسان در حالت دعا، تلاوت قرآن، غذا خوردن، خوابیدن رو به قبله باشد. اگر رسول خدا در نشستن به این نکته توجه داشت، برای درس دادن به ماست که جهت گیری توحیدی و الهی را در همه حالات داشته باشیم و خدا و قبله را از یاد نبریم.

۲۸. تواضع

قال الباقر عليه السلام:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَمْسٌ لَا ادْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: الْأَكْلَ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَرُكُوبِي الْحِمَارِ مُؤَكَّفًا وَحَلْبِي الْعَنْزِ بِيَدِي وَلُبْسَ الصُّوفِ وَالتَّسْلِيمَ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سَنَةً مِنْ بَعْدِي.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵]

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود: از پنج کار تا هنگام مرگ دست بر نمی دارم: ۱- غذا خوردن روی زمین با بردگان ۲- سوار شدن بر الاغ بی پالان ۳- بز را با دست خود دوشیدن ۴- لباس پشمینه پوشیدن ۵- به کودکان سلام کردن تا این که بعد از من سنت شود.

این پنج خصلت و عمل، هر کدام به گونه ای نشان فروتنی و خاکساری و دوری از تکبر و غرور است. رسول خدا برای ما اسوه و سرمشق همه کمالات، از جمله الگوی «تواضع» است. اینکه آن حضرت تأکید می فرماید تا زنده است اینگونه رفتار می کند، برای آن است که امت محمدی به آن بزرگوار اقتدا کند و الگو بگیرد.

۲۹. آراستگی

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُرَجِّلُ شَعْرَهُ وَآكْثَرُ مَا كَانَ يُرَجِّلُ شَعْرَهُ بِالْمَاءِ.

[سُنَنِ النَّبِيِّ، ص ۹۱]

امام علی علیه السلام فرمود:

حضرت رسول، همواره موهای خود را شانه می زد و بیشتر اوقات، موی خود را با آب صاف می کرد و

شانه می زد.

از مهم ترین توصیه های دینی، نظم و نظافت و تمیزی و آراستگی است. شستن دست و صورت، شانه زدن مو،

عطر زدن، ناخن گرفتن، پوشیدن لباس سفید و تمیز، جلوه هایی از آراستگی است که در سیره نبوی دیده

می شود. ژولیدگی و به هم ریختگی و آلودگی از نظر اسلام، ناپسند است. سزاوار است که هر مسلمان، با اقتدا به

سیره پیامبر اعظم، در تمیزی و آراستگی نمونه باشد و در عمل، نشان دهد که اسلام، دین پاکی و پاکیزگی

است.

۳۰. لبخند در سخن

عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ.

[مَكَارِمُ الْاِخْلَاقِ، ص ۲۱]

ابو درداء روایت کرده است:

حضرت رسول خدا هرگاه سخنی می گفت در کلامش تبسم می نمود و لبخند می زد.

تبسم و خنده رویی، عامل جذب دیگران است. بر عکس، چهره عبوس و خشن، دیگران را گریزان می کند.

آمیختن گفتار به لبخند، تأثیر کلام را می افزایشد و دلها را مجذوب می کند. پیامبر خدا از این رمز جاذبه استفاده

می فرمود و با چهره خندان و گفتار شیرین با مردم سخن می گفت و با اخلاق نیکوی خود مردم را تحت تأثیر

قرار می داد.

۳۱. راه رفتن

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ :

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا مَشَى، مَشَى مَشْيًا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَشْيٍ عَاجِزٍ وَلَا بِكَسْلَانٍ.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶]

ابن عباس نقل کرده است:

پیامبر هنگام راه رفتن، چنان با نشاط راه می رفت که معلوم می شد راه رفتن انسان ناتوان و خسته نیست. راه رفتن آدابی دارد. قرآن کریم، از راه رفتن متکبرانه انتقاد می کند و به تواضع در راه رفتن توصیه می کند. از سوی دیگر، راه رفتن شُل و ول و بی حال و سست، زیننده یک انسان مصمم و توانا نیست. رسول خدا در عین حال که فروتنی را در همه امور، از جمله در راه رفتن مراعات می کرد، راه رفتنی محکم و با صلابت و اقتدار داشت و این صلابت و استواری در رهبران، نشانه عزم آنان است و به مردم هم روحیه و صلابت می بخشد.

۳۲. ساده زیستی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ.

[نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۵]

امام علی علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا روی زمین غذا می خورد و مانند بندگان دو زانو می نشست و با دست خویش کفش و لباس خود را وصله می زد و می دوخت و بر الاغ بی پالان سوار می شد و کسی را هم در ردیف خود سوار می کرد. بعضی ها چنان متکبر و مغرورند که حتی کارهای شخصی خود را هم به گردن دیگران می اندازند و انجام آنها را برای خود، کسر شأن می پندارند. روشی که رسول خدا داشت، به ما می آموزد که روی زمین نشستن، متواضعانه غذا خوردن، وصله زدن به کفش و لباس، سوار مرکب ساده شدن، دیگری را هم سوار کردن و به مقصد رساندن، نه تنها ننگ و عار نیست، بلکه نشانه تواضع است و دلها را به هم نزدیک می کند و بر محبت ها می افزاید.

۳۳. شجاعت

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَاسُ وَ لَقِيَ الْعَدُوَّ الْقَوْمُ، اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَمَا يَكُونُ أَحَدٌ أَقْرَبَ إِلَيَّ الْعَدُوِّ مِنْهُ.

[محبجۀ البيضاء، ج ۴، ص ۱۵۱]

علی علیه السلام فرمود:

وقتی که آتش جنگ برافروخته می شد و دو لشکر به هم می رسیدند، همه ما به پیامبر خدا پناهنده می شدیم و کسی نبود که از آن حضرت به دشمن نزدیک تر باشد.

رسول خدا در عین حال که پیامبر رحمت و رأفت و مهربانی بود و اخلاق نرم و حلم و مدارای فراوان داشت، از نظر شجاعت روحی و سلحشوری و بی باکی در مقابله با دشمنان و عرصه های رزم، بی نظیر بود. همیشه شجاعت رهبر، به پیروان انتقال می یابد و مردم از رهبران خود روحیه و الهام می گیرند. در میدانهای نبرد و شرایط دشوار و پر خطر، پیامبر خدا تکیه گاه مردم و مایه امید و دلگرمی مسلمانان بود و به او پناه می بردند.

۳۴. شکر

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَحْمِدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۷]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا هر روز سیصد و شصت بار خدا را حمد می کرد.

حمد و ثنای الهی و شکر نعمت، در سایه معرفت انسان به صاحب نعمت و توجه به الطاف خداوندی است. هر که خداشناس تر و نعمت شناس تر باشد، بیشتر شکر خواهد کرد. شکر، هم حالت قلبی است، هم سپاس زبانی است و هم استفاده از نعمتها در راه خدا پسندانه است، اینکه پیامبر اکرم روزی ۳۶۰ بار خدا را شکر می کرد، به ما هم آموزش می دهد که بنده شاکر خدا باشیم. از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟

۳۵. مجلس پیامبر

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا تَكَلَّمْتَ أَطْرَقَ جُلْسَاؤُهُ كَأَنَّمَا عَلَى رُؤْسِهِمُ الطَّيْرُ فَإِذَا سَكَتَ تَكَلَّمُوا، وَ لَا يَتَنَازَعُونَ عِنْدَهُ الْحَدِيثَ، مَنْ تَكَلَّمَ أَنْصَتُوا حَتَّى يَفْرَغَ. [مكارم الاخلاق، ص ۱۵]

امام علی علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا سخن می گفت حاضران سرا پا گوش بودند؛ گویی بر سرهایشان پرنده نشسته است و وقتی ساکت می شد اصحاب سخن می گفتند. در حضور او، در سخن نزاع نمی کردند. هر کس سخن می گفت گوش می کردند تا تمام کند. از آداب حضور در محضر بزرگان، رعایت سلوک و توجه به سخنان آنان و بهره بردن از کلمات حکیمانه و موعظه آنان است. گوش دادن به حرفهای هر گوینده، نوعی احترام و توجه نسبت به اوست. بی توجهی به حرف مخاطب و متکلم، بی ادبی است. پیامبر خدا مردم را آنگونه ادب کرده بود که پای صحبتهای حکیمانه آن حضرت، سراپا گوش باشند و در هر مجلسی از نزاع لفظی و جدال پرهیزند و حرف کسی را قطع نکنند و صبر کنند تا کلام او به پایان برسد.

۳۶. در جمع یاران

قالَ أَبُو ذَرٍّ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَصْحَابِهِ فَيَجِيئُ؟ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ. [مكارم الاخلاق، ص ۱۶]

آبوذر غفاری گوید: حضرت رسول در میان اصحاب خویش می نشست. هرگاه غریب و ناشناسی می آمد، نمی شناخت که حضرت محمد کدام یک از آنان است، تا آن که پرسد. این نیز یکی از جلوه های تواضع و مردمی بودن در رفتار و سلوک حضرت رسول بود. با آنکه اشرف مخلوقات و خاتم پیامبران و پیشوای مردم بود، از تشخیص طلبی و مزیت جویی پرهیز داشت و در جمع اصحاب می نشست و افراد ناآشنا و غریب، او را از دیگران تشخیص نمی دادند. همین سبب شد که از او اجازه خواستند برایش سکو و جایگاه ساده ای ترتیب دهند که هنگام موعظه و خطبه بر آن بنشیند، تا تازه واردین غریب، بدانند که در این جمع، پیامبر خدا کدام یک از ایشان است؟

قال الصادق عليه السلام:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸]

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا برای عطریات بیش از غذا خرج می کرد.

خوشبویی و استفاده از عطر و مواد خوشبو کننده بدن، لباس و محیط زندگی، هم نشاط و طراوت می آورد، هم عامل جذب و محبت است، هم بوهای بد را از بین می برد. در روایات است که عطر زدن و خوشبویی از شیوه پیامبران است. رسول خدا مظهر این آراستگی و جمال بود و بیش از آنکه خرج خوراک و طعام کند، خرج عطر و مواد خوشبو کننده می کرد و همیشه معطر بود. در سخنی به علی علیه السلام فرمود: هر چه در راه بوی خوش و عطر، خرج کنی اسراف نیست.

۳۸. مردم داری

عَنْ أَنَسٍ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ غَائِبًا، دَعَا لَهُ وَإِنْ

كَانَ شَاهِدًا، زَارَهُ وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا، عَادَهُ. [مكارم الاخلاق، ص ۱۹]

آنس «خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله» می گوید: پیامبر خدا هرگاه یکی از اصحاب خود را سه روز نمی دید از حال او جويا می شد. اگر غایب بود، دعایش می کرد، و اگر در شهر بود به دیدارش می رفت، و اگر بیمار بود به عیادتش می شتافت.

از نشانه های رهبران مردمی، تفقد و احوالپرسی و همدردی با مردم و زیر دستان است. رابطه پیامبر خدا با مردم، بسیار عاطفی و مستحکم بود و مردم بسیار دوستش می داشتند و یکی از عوامل آن، همین روحیه و اخلاق پیامبر بود که از حال امت خود جويا می شد، به دیدار آنان می رفت، به عیادت بیماران می پرداخت و بی توجه به وضعیّت آنان نبود.

قال الصادق عليه السلام:

ما أكل رسول الله صلى الله عليه وآله متكئا منذ بعثه الله عز وجل نبيا حتى قبضه الله إليه، متواضعا لله عز وجل.

[بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۲]

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم هرگز از آغاز بعثت تا رحلت، در حال تکیه دادن غذا نخورد

(آنگونه که رسم سلاطین بود) و این از روی تواضع در برابر خدا بود.

رعایت ادب و فروتنی در غذا خوردن، از توصیه های اسلام است. یکی از جلوه های تواضع در شیوه غذا خوردن، نشستن متواضعانه است. متکبران و سلاطین، بر بساط و تخت خود لم می دهند و با تکبر خاصی غذا می خورند. رسول خدا هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد. به طرف غذا خم می شد، روی زمین نشسته و غذا می خورد، دست چپ را به زمین تکیه می داد و با دست راست غذا می خورد و این ادب و عبودیت او را در پیشگاه خداوند نشان می دهد.

۴۰. غم زدایی از اصحاب

قال علي عليه السلام:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله ليس الرجل من أصحابه إذا رآه معموما بالمُدَاعِبَةِ وَ كان صلى الله عليه وآله

يقول: إن الله يبغض المعبس في وجه أخوانه. [سنن النبي، ص ۶۱]

حضرت علی علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا هرگاه یکی از اصحاب را غمگین می دید، با شوخی او را خوشحال می کرد و می فرمود: خداوند،

کسی را که با برادرانش با ترش رویی و چهره عبوس رو به رو شود، دشمن می دارد.

شوخی طبعی و مزاح، در حد اعتدال و دوری از افراط، پسندیده است. سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام چنین بوده که گاهی برای شاد کردن کسی یا زدودن غم و غصه از او، شوخی می کردند و سخنان شیرین و شوخی آمیز می گفتند. انسانهای شوخ طبع به خاطر آن که موجب شادی و نشاط دیگران می شوند، محبوبیت پیدا می کنند و افراد عبوس و احمو و بدخلق، از نظر خداوند هم مطرودند. اما باید حد و حریم ها حفظ شود و به زیاده روی و افراط کشیده نشود و شوخی و مزاح، سبب رنجش دیگران و تحقیر و استهزای آنان نگردد.